

# هیچانه در تاریکی

## عباس ترین

را از سر گذرانده؛ از تلاش برای سرودن شعر سپید گرفته تا سرودن لالایی‌های امروزی. اما شاید سرودن شعر بی‌معنی یا همان هیچانه هیچان‌انگیزترین‌شان باشد؛ هم از جهت فضای تازه و تجربه‌نشده‌اش و هم به این دلیل که این نوع ادبی به‌ظاهر از چند و چون خاص یا ثابتی پیروی نمی‌کند. برخلاف آن‌چه به نظر می‌رسد، خلق هیچانه سختی‌های خاص خودش را دارد: ساختن چیزی بی آن که بدانیم چه می‌خواهیم بسازیم یا حتی این که از چه ابزاری باید استفاده کنیم. به‌هرحال این هفت شاعر خطر چنین تجربه‌ای را پذیرفته‌اند و از دید خود به ۵۲ نمونه قابل ارائه دست یافته‌اند: ابراهیمی (نُه قطعه)، رحماندوست (یازده قطعه)، شعبان‌نژاد (ده قطعه)، شعبانی (نُه قطعه)، قاسم‌نیا (یازده قطعه) و ملکی و نیک‌طلب (هرکدام یک قطعه).

اولین هیچانه کتاب، قطعه‌ای با عنوان «آسه برو، آسه بیا» از جعفر ابراهیمی است:

«آسه برو، آسه بیا/ گربه شیطون و بلا/ تا سگه گازت نگیره/ از دُم نازت نگیره/ سگ خوابیده، خواب می‌بینه/ «گره» و «مهتاب» می‌بینه/ با تو رفیقه توی خواب/ می‌ده به تو نون و کباب/ تو گول خوابش رو نخور/ نون و کبابش رو نخور/ آسه بیا، آسه برو/ چون که سگه دشمن تو»

هیچانه که به‌عنوان معادل فارسی Nonsense verse ارائه شده، یک نوع ادبی غالباً موزون است که به ترسیم شخصیت‌ها، اتفاق‌ها و صحنه‌های عجیب و غریب می‌پردازد و به‌قصد سرگرمی و خیال‌بافی بچه‌ها خلق می‌شود. این نوشته‌ها که معمولاً از نظر دستوری صحیح به‌نظر می‌رسند، معنی روشنی ندارند و غالباً مجموعه چرند و پرندواری هستند که گاهی نیز به قصد نقیضه‌سازی و مسخره کردن یک شعر معروف ساخته می‌شوند.

با این توضیح همچنان که ملاحظه کردید، اولین به‌اصطلاح هیچانه کتاب **هیچ هیچ هیچانه** در مجموع تفاوت محسوسی با شعرهایی که پیش از این در مجموعه‌های کودک دیده‌ایم ندارد و دارای معنی روشنی است و منطق مشخصی در آن دیده می‌شود. بعضی دیگر از قطعه‌های این کتاب نیز به‌دلیلی که ذکر شد، نمی‌توانند نمونه کم‌وبیش قابل قبولی از هیچانه باشد:

«عموم مغازه داره/ حلوای تازه داره/ مغازه‌اش در داره/ فلفل و گلپر داره/ زور داره، بازو داره/ شش تا ترازو داره...»

از طرفی درست است که هیچانه قرار نیست معنی خاصی نداشته باشد. اما شاید تعبیر این بی‌معنایی به بی‌قانونی نتیجه‌ای جز خلق انبوه ده‌ها و صدها هیچانه نداشته باشد که تازه هیچ‌کس هم نمی‌تواند درباره موفقیت یا عدم موفقیت‌شان قضاوت کند؛ هیچ‌کس شاید به غیر از زمان!

**هیچ هیچ هیچانه؛ ۵۲ شعر از هفت شاعر. تهران: افق - کتاب‌های فندق، ۱۳۸۹. ۱۱۶ ص. ۱۴۰۰۰ ریال.**

**هیچ هیچ هیچانه** مجموعه تجربه‌های تازه هفت شاعر شناخته شده کودک و نوجوان است: جعفر ابراهیمی، مصطفی رحماندوست، افسانه شعبان‌نژاد، اسدالله شعبانی، شکوه قاسم‌نیا، بیوک ملکی و بابک نیک‌طلب. بر روی جلد کتاب نام سیزده تصویرگر نام‌آشنا نیز دیده می‌شود که در خلق این کتاب نقش داشته‌اند: رویا بیژنی، ماهنی تذهیبی، آریخ خانی، راشین خیریه، فاطمه رادپور، لیدا طاهری، ندا عظیمی، گلبرگ کیانی، علیرضا گلدوزیان، محمود مختاری، پوپک مقبلی، حسن موسوی و علی هاشمی‌شهرکی.

گذشته از ظاهر نفیس و کیفیت بالای چاپ، جمع شدن این همه نام آشنا در یک کتاب، مثل پوستر فیلم‌های پرستاره سینمایی توجه هر رهگذری را جلب می‌کند. نکته دیگر کنجکاوی برانگیز، عنوان کتاب است: **هیچ هیچ هیچانه**. مقدمه دو صفحه‌ای کتاب که با ذکر هیچانه معروف «اتل متل تو توله/ گاو حسن چه جوهره/ نه شیر داره نه پستون/ شیرشو بردن هندستون» آغاز شده، سعی دارد توضیحی برای عنوان کتاب و راهنمایی برای برقراری ارتباط با نوشته‌ها باشد:

«متل‌ها که اغلب مهمل و بی‌معنی‌اند، نوعی از گونه‌های ادبیات عامیانه و یا مردمی به‌شمار می‌روند که در گذر تاریخ و دگرگونی‌های اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هیچ‌گاه ارزش و جایگاه خود را از دست نداده‌اند و همیشه لذت‌بخش و شادی‌آفرین بوده‌اند. پیرامون این موضوع که چرا این متل‌های مهمل و بی‌معنی توانسته‌اند در کنار آن همه اندیشه‌های ناب و عمیق دوام بیاورند و از باد و باران گذر زمان گزند نبینند، سخن بسیار گفته شده است...»

هفت مؤلف کتاب ضمن معرفی عواملی چون بازی‌گویی، تخیل بی‌مرز، پیوندهای دلنشین آوایی، راه‌ارتباط شخصی انسان با طبیعت و... به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی هیچانه‌ها، نوشته‌اند: «هیچانه‌ها همه آن‌چه را که گفته شد در خود دارند، ولی هیچ‌یک از آن‌ها نیستند. بازی‌آهنگین، در کلامی بی‌معنی، با مفاهیمی در حد وارونگی تصاویر و پدیده‌های تغییر یافته، چیزی نیست که بتوان با شیوه‌های متعارف به تبیین و تشریح اسباب ماندگاری‌اش پرداخت.»

با این حال چنان که نوشته‌اند، بیش از یک‌سال وقت گذاشته‌اند تا شاید به‌منطق پنهان شده در پشت این بافته‌های بی‌منطق دست یابند و **هیچ هیچ هیچانه**، حاصل این تلاش است: «بر آن شده‌ایم که در زمانه خود با تکیه بر هیچانه‌ها، سروده‌هایی بسازیم که به زندگی روزگار امروز بچه‌ها هم نقیبه داشته باشد.»

شعر خردسال و کودک در سال‌های گذشته، تجربه‌های مختلفی



روز بیاین، نه شب برین / وقتی بیاین که وقت باشه / خروسه روی تخت باشه / تخت چی؟ تخت شاهی / خروسک من، چه ماهی» (قاسم نیا)

نکته پایانی این که در مقدمه کتاب هیچ هیچ هیچ هیچانه گفته شده که سرودن هیچانه‌هایی نزدیک به زندگی امروز بچه‌ها، هدف شاعران این مجموعه بوده؛ اما به نظر نمی‌رسد در این حوزه توفیق بیشتری نسبت به آن چه پیش از این وجود داشته، حاصل شده باشد. بخش قابل توجهی از شعرها و شاعران این کتاب، همان ذهن روستایی و طبیعت‌زده‌ای را دارند که شعرهای کودک و نوجوان دچارشان هستند و حداکثر توفیقی که بسیاری از شعرهای این کتاب داشته‌اند، زدن نقب به زندگی بچگی‌های شاعران این کتاب بوده؛ یعنی مربوط به روزگاری حدود چهل-پنجاه سال پیش!

سهل‌گرفتن یا بی‌قاعده دانستن هیچانه – اتفاقی که در بعضی قطعه‌های این کتاب افتاده – می‌تواند خطرهای خاص خود را داشته باشد. از ضعف‌های موسیقایی گرفته تا بی‌دقتی‌های زبانی و عدم یکدستی و آشفتنی لحن که اتفاقاً در شعرهای دیگر بعضی از این شاعران نیز وجود دارد، اما در این کتاب به‌صرف نام‌گرفتن هیچانه از تیغ نقد در امان مانده‌اند.

با این توصیف به‌نظر می‌رسد می‌توان در خلق هیچانه چارچوب‌ها و ویژگی‌های خاصی را کشف کرد و مدنظر داشت تا در عین رعایت اصول عمومی هیچانه‌ها، هم قدمی به روح آن نزدیک‌تر شویم، هم ارزش‌های ادبی به‌خصوصی را مدنظر قرار دهیم و هم معیاری برای داوری درباره نتیجه کار داشته باشیم. مثلاً در صورت رسیدن به وزن عروضی به‌عنوان یکی از عناصر مؤثر در خلق هیچانه، شاید بتوان به نتیجه‌ای بهتر از نمونه‌هایی که چندان روان خوانده نمی‌شوند و راحت در دهان نمی‌چرخند، دست یافت:

«لینگا لینگا، دَدایی / هاپو، پیشی، بَبعی / قدقدقد، جاجا، جوجو / قوقولی قو، بقوقو...» (شعبانی)

برای رسیدن به تعاریف و اصول نسبی هیچانه‌ها شاید آن‌چه بیشتر از عجله در خلق اثر مؤثر است، تحقیق جامع و دقیق بر روی نمونه‌های موفق این حوزه باشد؛ در آن صورت شاید خلق کتاب‌هایی مثل هیچ هیچ هیچ هیچانه از حد تیری در تاریکی فراتر بروند و به مجموعه‌هایی شاخص و راهگشا تبدیل شوند. البته این به هیچ وجه به معنی بی‌ارزش دانستن تلاش این هفت شاعر کودک و نوجوان در ارائه هیچانه‌های تازه نیست. چنان که در همین کتاب هم نمونه‌های جذاب و جالب توجهی دیده می‌شود که با باری غنی از موسیقی، بازی‌گونگی و... می‌توانند در آینده خود را جزو هیچانه‌های ماندگار ثبت کنند. بعضی از هیچانه‌های شعبان‌نژاد و قاسم‌نیا از این دسته‌اند: «اقاره و مقاره / اون جا به دونه ماره / روی الاغ سواره / الاغه خبر نداره / داره می‌ره به صحرا / گندم و جو بیاره / الاغه و ملاقه / صحرا پر از کلاغه / ماره دُم الاغه» (شعبان‌نژاد)

«خروسی دارم کاکل زری / کاکل شو چند می‌خری؟ / به چند و چونش نمی‌دم / به کسی نشونش نمی‌دم / عقب عقب، عقب برین / نه

